



۲۰۱۶/۰۱/۱۸



تیمور شاه تیموری

## کاشکی

جناب ملک الشعراء اسیر صاحب خطاب به یکی از مشترکین فیس بک «خانم سوزان جان اکرمی» که غزل هایی به ردیف کاشکی من و هاشم جان رائق را پسند کرده بودند چنین ارقام فرموده اند: از تیموری صاحب آرزو مندم شعر خود و هاشم جان رائق هر دو را در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین به نشر رساند تا مشوق دیگران هم شود، شعر خیلی دلنشین و عالی است.

با آنکه شعر به ردیف کاشکی من قبلاً هم نشر شده اینک هر دو غزل خود و اقتفائی هاشم جان رائق را جهت نشر به رسانه ملی آریانا افغانستان فرستادم تا هم امریه بجا شود و هم خوانندگان محترم مستفید شوند.

## کاشکی

تیموری

رنگ می بودم به برگ گل نمایان کاشکی	بوی می بودم درون نافه پنهان کاشکی
ابر می بودم به کوه و دشت گریان کاشکی	باد می بودم به سوی یار پویان کاشکی
تک درختی می بودم بر ساقه خود استوار	سایه می کردم به فرق رهنوردان کاشکی
اشک غم بر دیده هر سوگواری می شدم	می فتادم تا به دامن عزیزان کاشکی
شمع می بودم چراغی بر مزاری می شدم	می فشاندم اشک بر خاک شهیدان کاشکی
سایه می بودم ز سرو قامت آزاده ای	می نهادم سر به پای نازنینان کاشکی
مشت می بودم گره بر فرق اعداء وطن	می شکستم دشمنان را دان و دندان کاشکی
پیک میبودم که از شهری به شهری می شدم	می رساندم سرگذشت بی پناهان کاشکی
خامه می بودم مگر تا درد دل افشاء کنم	شوق می بودم به دل های جوانان کاشکی
مست می بودم ز پا تا سرنمی بودم خبر	می شدم فارغ ز افکار پریشان کاشکی

"تیمور" از بسکه زمانه بیوفائی می کند

می گذشتم زین جهان نابسامان کاشکی

# کاشکی

هاشم رائق

باد می بودم به فصل نوبهاران کاشکی  
بلبل شوریده می بودم به گلزار وطن  
گریه می آید مرا از یاد مردان جهاد  
سر بدادند و اما هرگز کسی نامش نبرد  
تنگ گردیده دلم زین قید و بند زندگی  
هرکرا دردی رسد داغ دلی بر ما شود  
هر کسی آباد گردد شاد می گردد دلم  
این دل نالان اسیر عشق یاران کاشکی

برگ می بودم به شاخ نونهالان کاشکی  
نغمه می خواندم بسان عندلیبان کاشکی  
اشک میبودم به چشم سوگواران کاشکی  
جان فدای غیرت آن شهسواران کاشکی  
بیخیال آزاد بودم چون غزالان کاشکی  
مرهمی باشم به زخم غمگساران کاشکی  
این دل نالان اسیر عشق یاران کاشکی

از غم و درد همه بیچاره شد رائق دلم  
تا بسوزم در لهیب مستمندان کاشکی

